

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

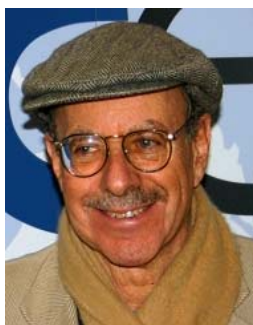
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس
برگردان از: آمادور نویدی
۱۹ اپریل ۲۰۱۸

چرا انگلیس، اتحادیه اروپا و امریکا علیه روسیه متحد شده اند؟



جیمز پتراس

مقدمه:

امریکا، انگلیس و اتحادیه اروپا، برای بخش عمده ای از یک دهه جهت تضعیف و سرنگونی دولت روسیه و به ویژه برکنار کردن پوتین از قدرت کمپینی را به راه انداخته اند، که پیامدهای اساسی خطرناکی وجود دارند، از جمله احتمال واقعی یک جنگ هسته‌ئی.

آخرین کمپین تبلیغات غربی و یکی از کینه جوترین آن‌ها اتهامات وارده توسط نخست وزیر انگلیس، تریزا می است. بریتانیایی‌ها ادعا کرده اند که جاسوسان مخفی روسیه جهت مسموم کردن یک جاسوس دوجانبه روسی و دخترش در انگلیس دسیسه کرده اند، حاکمیت و امنیت مردم بریتانیا را تهدید کرده اند. اما هیچ مدرکی ارائه نداده اند، در عوض، جهت افزایش تنش‌ها، انگلیس دیپلمات‌های روسی را اخراج نموده و خواستار تحریم‌های شدیدتری شده است. انگلیس و حامیان امریکائی و اتحادیه اروپائی او به سوی قطع روابط و افزایش درگیری نظامی به‌پیش می‌روند.

درباره سرچشمه و شدت رشد این عناد ضدروسی، شماری از سوالات اساسی وجود دارند.

چرا رژیم‌های غربی اکنون احساس می‌کنند که روسیه تهدیدی بیش‌تر از گذشته است؟ آیا آن‌ها برای باوراندن که روسیه نسبت به تهدیدات یا حملات غرب آسیب پذیرتر است؟ چرا رهبران نظامی غرب به دنبال تضعیف دفاعی روسیه هستند؟ آیا نخبگان اقتصادی امریکا معتقدند که ممکن است یک بحران اقتصادی را تحریک کنند که باعث سقوط دولت پوتین

گردد؟ هدف ستراتیژیک معماران سیاسی غربی چیست؟ چرا در این زمان رژیم انگلیس رهبری این جنگ صلیبی را از طریق اتهامات دروغین به دست گرفته است؟
این مقاله در نظر دارد که به عوامل کلیدی این سوالات پاسخ دهد.

زمینه تاریخی جهت تجاوز غرب

چندین عامل تاریخی اساسی وجود دارند که به سال‌های ۱۹۹۰ برمی‌گردند، که برای افزایش دشمنی کنونی با روسیه دخیل اند.

اولین و مهم‌ترین آن‌ها، در طول سال‌های ۱۹۹۰، آمریکا روسیه را خوار کرد، آن‌را به یک کشور دست‌نشانده تبدیل کرد و خودش را به عنوان تنها ابرقدرت جهان تک‌قطبی تحمیل نمود؛ دوم، نخبگان متحد غربی اقتصاد روسیه را به یغما بردند، صدها میلیارد دلار تصرف و پول‌شویی کردند. بانک‌های وال استریت و شهر لندن و بهشت‌های مالیاتی برندگان اصلی بودند؛ سوم، آمریکا کنترل پروسه انتخاباتی روسیه را به دست گرفت، و «انتخاب» دروغین یلتسین را تأمین نمود؛ چهارم، غرب مؤسسات نظامی و علمی روسیه را خوار شمرد و نیروهای مسلح خودشان را به مرزهای روسیه کشاند؛

پنجم، غرب مطمئن شد که روسیه قادر نشود از متحدان خود و دولت‌های مستقل در سراسر اروپا، آسیا، آفریقا و امریکای لاتین کمک کند. روسیه نتواند به کمک متحدان خود در اوکراین، کوبا، کوریای شمالی، لیبیا و غیره بشتابد. با پایان رژیم یلتسین و انتخاب رئیس‌جمهور پوتین، روسیه استقلال خود را بازیافت، اقتصادش بهبود یافت، مؤسسات نظامی و علمی دوباره بازسازی و نیرومند شدند. فقر بشدت کاهش یافت و سرمایه‌داران گانگستر تحت حمایت غرب دستگیر، زندانی و یا اغلب به انگلیس و آمریکا فرار کردند.

بهبود تاریخی روسیه تحت اداره رئیس‌جمهور پوتین و نفوذ تدریجی بین‌المللی او تظاهر آمریکا جهت حکومت بر جهان تک‌قطبی را داغان کرد. بهبود روسیه و کنترل منابع اقتصادی اش، سلطه آمریکا را به ویژه در میدان‌های نفت و گاز روسیه کاهش داد.

درحالی‌که روسیه حاکمیت خود را تحکیم می‌کرد و از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی پیش‌رفت می‌کرد، غرب خصومت خود را جهت برگرداندن روسیه به دوران سال‌های ۱۹۹۰ افزایش داد.

آمریکا کودتاها و مداخلات نظامی بی‌شمار و انتخابات جعلی را به راه انداخت تا روسیه را محاصره و منزوی سازد. اوکراین، عراق، سوریه، یمن و متحدان روسیه در آسیای مرکزی هدف قرار گرفتند. پایگاه‌های نظامی ناتو بسط یافت. اقتصاد روسیه هدف گرفته شد: تحریمات بر واردات و صادرات روسیه معطوف گشت. رئیس‌جمهور پوتین هدف کمپین تبلیغاتی غرب کینه‌جو قرار گرفت. سازمان‌های غیردولتی آمریکا به احزاب و سیاستمداران مخالف او کمک مالی نمودند.

کمپین برگرداندن (روسیه به دوران یلتسین) توسط آمریکا و اتحادیه اروپا با شکست روبه‌رو گشت.

کمپین محاصره (روسیه توسط آمریکا و اتحادیه اروپا) شکست خورد.

اوکراین متلاشی شد – متحدان روسیه کنترل شوق را در دست گرفتند؛ مردم کریمه برای وحدت با روسیه رأی دادند. سوریه به روسیه پیوست تا دست‌نشانندگان امریکائی مسلح را شکست دهد. روسیه به تجارت چندجانبه در شبکه‌های حمل و نقل و مالی چین تغییر جهت داد.

در حالی که تمام خیالی‌بافی جهان تک‌قطبی امریکا منحل شد، خشم عمیق، دشمنی و یک ضدحمله سیستماتیک را تحریک نمود. جنگ‌های شکست خورده و پرهزینه امریکا با ترویسیم به تمرینی برای جنگ ایدئولوژیک و اقتصادی علیه کرملین تبدیل شد... بهبود تاریخی روسیه و شکست عقب‌گرد (روسیه) توسط غرب منجر به تشدید جنگ اقتصادی و ایدئولوژیک شد.

انگلیس توطئه سم را اختراع نمود که تنش‌های اقتصادی را شدیدتر کند و افکار عمومی غرب را جهت مقابله نظامی بیش‌تر آماده سازد.

روسیه تهدیدی برای غرب نیست: حاکمیت خود را به منظور یک جهان چندقطبی بهبود می‌بخشد. رئیس‌جمهور پوتین یک «متجاوز» نیست، اما او اجازه هم نمی‌دهد که روسیه به دست نشانندگان آن‌ها برگردد.

رئیس‌جمهور پوتین در روسیه بسیار محبوب است و در امریکا دقیقاً مورد نفرت است، برای این‌که او جهت مخالف یلتسین است – او برای روسیه یک اقتصاد شکوفا را ایجاد کرده است؛ و در برابر تحریمات مقاومت نموده و از مرزها و متحدان روسیه دفاع می‌کند.

نتیجه‌گیری

بطور خلاصه پاسخ‌ها به سؤالات بالا چنین اند:

(۱) - رژیم‌های غربی متوجه شده‌اند که روسیه تهدیدی به سلطه جهانی آن‌هاست؛ آن‌ها می‌دانند که روسیه تهدیدی جهت حمله به اتحادیه اروپا، امریکای شمالی و یا دست نشانندگان آن‌ها نیست.

(۲) - رژیم‌های غربی بر این باوراند که آن‌ها می‌توانند روسیه را از طریق جنگ اقتصادی از جمله تحریمات سرنگون سازند. در واقع، روسیه بیش‌تر به خود وابسته شده است و شرکای تجاری خود را متنوع ساخته است، که به ویژه چین و حتی شامل عربستان سعودی و دیگر متحدان غربی است.

کمپین تبلیغات غرب نتوانست رأی دهندگان روسیه را علیه پوتین تبدیل کند. در ۱۹ مارچ، ۲۰۱۸ شرکت کنندگان رأی دهنده به ۶۷٪ افزایش یافت... ولادیمیر پوتین یک رکورد اکثریت ۷۷٪ را تأمین نمود. از نظر سیاسی رئیس‌جمهور پوتین از همیشه قدرت‌مندتر است.

نمایش پیش‌رفت هسته‌ای و دیگر سلاح‌های پیشرفته روسیه باعث تأثیر مهمی بر بازدارندگی به ویژه در میان رهبران نظامی امریکا گشته است، برای آن‌ها روشن نموده است که روسیه در برابر حملات آسیب‌پذیر نیست.

انگلیس سعی کرده است تا با اتحادیه اروپا و امریکا متحد شده و از طریق راه اندازی توطئه سم ضد روسی خود اعتبار کسب کند. نخست‌وزیر تریزا می شکست خورده است. بریگزیت انگلیس را مجبور می‌سازد که از اتحادیه اروپا جدا شود.

رئیس‌جمهور ترمپ اتحادیه اروپا را به عنوان یک شریک تجاری جایگزین تعویض نمی‌کند در حالی که ممکن است اتحادیه اروپا و واشنگتن از انگلیس علیه روسیه حمایت کنند، اما آن‌ها دستور کار تجاری خود را دنبال می‌کنند؛ که شامل انگلیس نمی‌شود.

در یک کلام، انگلیس، اتحادیه اروپا و امریکا بایک دیگر برای دلایل متنوع تاریخی و معاصر علیه روسیه متحد شده‌اند. بهره‌برداری انگلیس از توطئه ضد روسیه، اقدامی موقت جهت پیوستن گانگسترهاست، اما سقوط جهانی اجتناب‌ناپذیر و تجزیه انگلیس را تغییر نمی‌دهد.

روسیه به عنوان یک قدرت جهانی باقی می‌ماند، و تحت رهبری رئیس جمهور پوتین ادامه می‌یابد. قدرت‌های غربی همسایگان خود را تجزیه و خوار می‌کنند و تصمیم می‌گیرند که فضاوت بهتر اینست که جهان چندقطبی را بپذیرند و در درون آن کار کنند.

درباره نویسنده:

جیمز پتراس، استاد بارتل (بازنشسته) دانشگاه جامعه شناسی بینگهامتون، در نیویورک – امریکاست. صفحه اینترنتی او:

<http://petras.lahaine.org/>

برگرفته شده از:

Why the UK, the EU and the US Gang-Up on Russia, By /james Petras

<https://petras.lahaine.org/why-the-uk-the-eu-and/>